

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

نحن اهل البيت لا يقاس بنا احد

همان طور که مستحضرید گاهی اوقات توفیق است در روزهای شنبه بحثی خارج از رویه درس روزانه داریم؛ بنده اسمش را اخلاق نمی گذارم چرا که برخی از مطالب، محتوای اخلاقی به اصطلاح خاص ندارد. اما مطالبی عرض می کنیم انشالله حواس ما به این مطالب باشد و حواس دیگران را نیز به این مطالب جلب کنیم؛ می دانید ما بار سنگینی را برداشتیم هم بار خودمان را داریم هم بار هدایت دیگران را؛ در روز ناداری، هم باید از پس کار خود بر بیایم و هم از پس کار دیگرانی که توپ را در زمین ما می اندازند. از این جهت باید در کارها و رفتارهای خود دقت کنیم. به خاطر برخی از مناسبات من نکاتی را عرض خواهم کرد. بنده در این چند روز کلیپی دیدم که کلیپ خیلی مرا ناراحت کرد و ذهنم را مشغول به خود کرد تصمیم گرفتم در جمع شما نکاتی را تحت عنوان آسیب شناسی تبلیغات دینی در دوران معاصر عرض کنم شاید هم اگر وقت اجازه دهد یاداشتی را بنویسم و تحویل خبرگزاری ها بدهم. می دانید بحث آسیب شناسی تبلیغات دینی بحثی نیست که بشود در 20 دقیقه یا یک ساعت مطرح کرد. البته برخی از نهادها به این امور می پردازند که گاهی موفق و گاهی ناموفق هستند. ما سعی داریم در حدود 20 دقیقه نکاتی خدمت شما عرض بکنیم. منظور ما از تبلیغ فقط تبلیغ نیست بلکه شامل مواردی مانند تدریس، مراوده با مردم، اصدار فتوی و... می شود. (می دانید شما در دوران تکون شخصیت هستید) این بحث به درد هر روحانی و طلبه می خورد.

آسیب ها

1. اطلاعات ناقص: خیلی از افرادی که من و شما می بینیم نکاتی از لامارک، ماکیاولی، نیچه و... می گیرند سپس آیه را هم ضمیمه آن می کند اسمش را هم می گذارد روان شناسی اسلامی یا جامعه شناسی اسلامی؛ می دانید کارش هم در بین مردم می گیرد و می گویند عجب روحانی به روز و باسوادی؛ در حالی که اصلاً معلوم نیست که غربی ها با چه تفکری این مطالب را گفته اند. ممکن است آنها طبق انسان شناسی خودشان (می دانید آنها یک جهان بینی دارند یک انسان شناسی دارند بعد می آیند سراغ روان شناسی، یعنی بعد از چند مرحله به روان شناسی می رسند؛ ما ممکن است در جهان بینی یا انسان شناسی با آن ها مخالف باشیم؛ آنها به انسان اصالت می دهند «اومانیسیم» ما که این حرف ها را قبول نداریم مطالبی را بیان کنند که ما نپذیریم.

عکس این جریان، کسانی هستند که به هیچ داده بشری معتقد نیستند این ها در حوزه ها هم رو به رشد هستند؛ این ها می گویند دنیا چیست؟ داده های بشری چیست؟ علوم انسانی چیست؟ و... ما ریاضیات را هم باید از اسلام بگیریم حتی $2*2$ می شود 4 را هم اسلام باید بیان کند. خُب همه این موارد آسیب تلقی می شوند.

2. جناحی کردن (البته به نام سیاسی کردن) منبرها و خطبه ها؛ واقعا نمی توان خیلی از خطبه ها و سخنرانی ها را جناحی دانست. اگر جریانی جناحی بشود طرفدار پیدا می کند و مخالف پیدا می کند؛ این خبر شاید جالب نباشد اما بنده بنای بر تقیه ندارم در برخی از مساجد ما برخی مردم نماز را فرادی می خوانند تا قبل همین انتخابات ریاست جمهوری پشت این شخص نماز می خواندند اما چون در ایام انتخابات ناسزا گفته، بی ادبی کرده پشت سرش نماز نمی خوانند. به من زنگ زده اند و گفته

اند این آقا ناسزا گفته، بد و بیراه گفته و... عدالتش در نزد ما زیر سوال رفته نظر شما چیست؟ من چه بگویم بگویم عادل است اگر خودم هم معتقد باشم اشتباه کرده چه! یا بگویم عدالت در امام جماعت شرط نیست! البته تا بتوانم و قدرت شرعی باشد صورت بندی می کنم. مثال معروفی است که می گویند فلانی مرغش گم شده بود گوسفند نذر کرده بود ما که گوسفند هیچ بلکه اشتر نذر می کنیم که اگر مرغمان پیدا شد شتر قربانی کنیم؛ معنای این مثال این است: ببین چه چیزی را خرج چه چیزی می کنی؛ اعتبار روحانیت، اعتبار حوزه های علمیه را و... را باید ببینید خرج چه می کنید. آیا خرج حوادث زودگذر می کنید؟! بله افراد ممکن است توجه کنند اما ما هم توجه ها را بلد هستیم.

3. عرفان های کاذب و انحرافی، ریاضت های خود ساخته (البته این در همه زمان ها بوده امروزه بیشتر شده است) نمی دانم شما اهل مطالعه این موارد هستید یا نه؟ برای من چون کتاب زیاد می آید توفیق اجباری دارم که قبل از خواب این ها را مطالعه یا تورق کنم. خیلی عرفان های کاذب زیاد شده حتی مبتذل ها هم عرفان شده، عرفان اوشو، و... طلبه ای چند روز پیش آمد پیش من و گفت فلان فقیه این را گفته و چنین دستوری داده است و... من مجبور شدم و گفتم اصلاً ایشان فقیه نیست بلکه سخنران است (البته جسارت به سخنران ها نشود سخنرانان محترمند) دستور هم غلط است. حتی من نسبت به برخی از بزرگان عرفان هم ملاحظه دارم وقتی زندگی آنها را مطالعه می کنید می بینید نقاط ضعفی در رفتارهایشان وجود دارد و زندگی موفق ندارند. مثلاً شخص خیلی حالات را داشته اما زن و بچه اش اسیر بوده اند. یک شخصیت باید جامع باشد هم شوهر خوبی باشد هم پدر خوبی هم استاد خوبی باشد اما پدر و همسر خوبی نباشد چه فایده دارد این موارد مورد دارد و من حق ندارم اسم ببرم. مرشد، عقل درون، اساتید موفق و به روز و... هستند نه این اشخاص

من یادم نمی رود سال 55 قم آمدم و قبل از آن کمی شیراز سابقه طلبگی داشتم. وقتی اینجا آمدم رفتم سال دوم نشستم استاد ما «سلمه الله» اهل مسائل عرفان و ذکر (البته نه از نوع کاذب) بود. سر کلاس خوب درس نمی داد و ما ناراحت بودیم ایشان احساس ناراحتی مرا فهمید و گفت شما اگر ناراحتی برو بیرون و... من هم چیزی نگفتم و احترام کردم؛ یک روز یکی از دوستان گفت میایی منزلش برویم؟ من هم گفتم اشکال ندارد هم آشتی کنان می شود و هم در جلسه ایشان شرکت می کنیم. من آن زمان یک نوجوان 15 ساله بودم اما پر سوال و کسی که روحیه تعبد ندارد. رفتم دیدم در یک اتاق کوچک 20 نفر جمع شده اند و یک آشپزخانه کوچک پشت و خانمش هم در آشپزخانه حبس است (طلبه ها هم سر شب می آمدند تا سحر می ماندند) بلاخره خانم است می خواهد دستشویی برود خوابش می گیرد و... آیا ما چنین حقی داریم با خانواده برخورد کنیم بعد هم نخود ریخته بودند هر نخودی 100 صلوات و... ایشان به من گفت شما تقوا را چه معنا می کنید؟ گفتم انجام واجبات و ترک محرّمات (جوابی دادم که الان هم پرسند همین را گویم) اتفاقاً حدیث امام صادق هم هست حضرت می فرمایند تقوا این است که هرکجا امر خدا بود حاضر باشید هر کجا نهی الهی بود غائب باشید (البته آن زمان این حدیث را ندیده بودم) همان زمان خوشم نیامد حتی شام هم نخوردم حالت قهر مانند آنجا را ترک کردم. البته هنوز هم آن استاد را می بینم ایشان را احترام می کنم ایشان نیز مرا احترام می کنند.

کجا بما چنین فرموده اند آیا معنای الرجال قوامون علی النساء این است؟! شما از اسلام این را می فهمید؟ خدا را اینگونه معنا می کنید و...

4. مباحث مهدویت: هر چند وقت یکبار این بحث های مهدویت و آخر الزمانی مطرح می شود مثلاً می گویند فلانی از فلانی نقل کرد که پیرمردها ظهور را می بینند جوان ها که حتماً می بینند بعد هم می بینند اتفاقی نمی افتد تند و تند جوان ها و پیرها می میرند.

از زمان مغول و صفویه این بساط ها بوده و جمع شده؛ آقایان بحث های مهدویت خیلی ظریف و قشنگ است.

5. غلو: گاهی ما غیر معصوم را به جای معصوم می گذاریم؛ می دانید که عصمت کف مقامات پیامبر و صدیقه طاهره و ائمه علیهم السلام است، اینها مقاماتی دارند که لا یوصف است. (البته غیر از الوهیت که خط قرمز است) نمی دانم کلیپ اخیر را دیده اید یا نه یکی از آقایان می گوید مقام حضرت معصومه علیها السلام بالاتر از امام رضاست. این چه حرف های است شما

درس خوانده آید چرا این طور می گوید. بنده واقف به مقامات حضرت معصومه سلام الله علیها هستم در مورد خانم سخنرانی کردم بسیاری از مشکلات را با دو رکعت نماز و هدیه آن به حضرت حل کرده ام. اما من از تو منبری سوال می کنم آیا مقام حضرت معصومه از امام رضا بالاتر است؟! اینجا جای اشتباه نیست. ممکن است انسان در نقل مطلبی از محقق نائینی بگوید عراقی فرموده و... بعد بگوید ببخشید اشتباه کردم اما در مورد فضیلت حضرت معصومه به حضرت رضا علیهما السلام که جای اشتباه نیست.

ائمه ما نسبت به غلات حساس بوده اند. امام صادق علیه السلام فرمود: خدا فلانی را لعنت کند خواب را از چشمان من ربوده است. در مورد دو تن از ائمه، الله انگاری رخ داد اولی امیر المومنین علیه السلام دومی هم امام صادق علیه السلام؛ محمد بن ابی زینب در کوفه از غلات بود اول گفت امام صادق پیغمبر است و من سفیر او هستم. بعد گفت امام صادق خداست من پیغمبرم؛ جالب هم این است که برخی مردم قبول می کردند من گاهی گفته ام عراق، باغ وحش ادیان واره ها بوده است. وقتی خدمت امام صادق علیه السلام مدینه آمد با 70 محافظ آمد. به دخترش زینب که می رسیدند برخی می گفتند السلام علیک یا بنت رسول الله ...

صدای عو در آوردن، زنجیر به گردن انداختن، به نظر من مصداق غلو است.

بزرگترین شخصیت های جهان اسلام را به ائمه علیهم السلام قیاس نکنید خود ائمه علیهم السلام به ما این را فرموده اند. یک عبارتی را فکر کنم من از آقای قرائتی دیدم ذیل آیه او کالذی مرّ علی قریه فهی خاویه علی عروشها ... این آیه در مورد عزیر پیغمبر است؛ ایشان نوشته بودند: می ارزد عزیر 100 سال مرد اما یک نکته را فهمید.

شروع درس

مستحضرید مرحوم آخوند تحت المبحث السادس از فصل دوم از مقصد اول بحث مهمی را مطرح می کند؛ البته ما قصد نداریم خیلی معطل بشویم.

قبول دارید که واجب یا نفسی (نماز) است یا غیری (وضو) لذا اگر ما نخواهیم نماز بخوانیم وضو لازم نداریم.

قبول دارید واجب تعینی (تعینی) و تخییری است. برخی از واجبات بدل ندارد اما برخی واجبات مثل خصال کفارات بدل دارد.

قبول دارید برخی واجبات عینی است برخی کفایی

اگر پذیرفتیم این تقسیمات را می گوئیم در مورد برخی واجبات قرینه داریم خب در مورد آن ها بحث نمی کنیم اما در برخی از واجبات ممکن است شک کنیم مثلاً آیا امر به معروف واجب کفایی است یا عینی است (شارع دوست دارد همه تذکر بدهند) خوش بختانه در اکثر موارد ما قرینه داریم اما در نادری از موارد قرینه نداریم. در فرض نبود قرینه، اطلاق صیغه امر حمل بر کدام وجوب می شود. اطلاق صیغه خودش دو مدل است 1. اطلاق هیئت 2. اطلاق ماده؛ مرحوم آخوند مرادش اطلاق هیئت است.

اطلاق صیغه آیا نفسی بودن را اقتضاء دارد یا غیری بودن را؛ آیا تعینی را اقتضا یا تخییری و...

خیالتان راحت باشد کسی نگفته اطلاق صیغه تخییری یا غیری بودن یا کفایی را دلالت دارد. اگر دعوا هم باشد بر سر این طرف است.

مراد مرحوم آخوند از اطلاق، اطلاق مقامی نیست بلکه منظور اطلاق لفظی است.

اطلاق لفظی خود لفظ اطلاق دارد اما اطلاق مقامی از عدم البیان مولا به دست می آید.

اگر اطلاق هیئت اقتضاء ندارد اقتضاء اصل عملی چیست؟ کفایه این را بیان نکرده است. ایشان واجب معلق را هم بیان نکرده است.

مرحوم آخوند می فرماید: اطلاق صیغه اقتضاء دارد وجوب، نفسی، تعینی و عینی باشد. علتش هم این است که این ها نیاز به

بیان زائد ندارند به خلاف غیری و تخییری و کفایی

من در کتاب روش شناسی اجتهاد ج 2 گفته ام که یکی از بایسته های اجتهاد احتیاج به بیان زائد است. آنجا بحث ما این بود که وقتی می گویند دیه بر عاقله واجب است و... آیا شارع که گفته بر عاقله دیه واجب است به نحو مساوی گفته یا نه؛ آیا عاقله پول دار بیش از غیر پول دار باید بپردازد؟ ما گفته ایم به نحو تساوی بیان زائد نمی خواهد لذا بین پول دار و غیر آن تفاوتی نیست. چند روز پیش یک سوال به تحقیقات قوه قضائیه آمده بود سوال شده بود آیا مازاد دیه - مثلاً مردی بزند زنی را بکشد - در بین

ورثه به صورت مساوی تقسیم می شود یا مانند ارث به پسرها دو برابر دخترها می رسد. در این موارد باید ببینیم کدام بیان زائد می خواهد. در این مورد من نکاتی دارم که بعدا خواهم گفت.
انشالله کفایه را برای فردا مطالعه نمایید. محاضرات را هم ببینید.
الحمد لله رب العالمین